مراجعین فالگیرها چه انگیزه‌هایی دارند؟ چقدر خرج می‌کنند؟

پول سیاه فالگیری

حدیث ملاحسینی- صادق امامی
خبرنگار

ضرب‌المثل «اگم عاقل از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود» اینجا چندان کاربرد ندارد؛ چراکه گاهی همان گزیده‌گی اول، کار دست انسان می‌دهد. اولین بار که خودت آن شماره لعنتی را زروی دیوار می‌داری و تماس می‌گیری، باید دلیرکت بیچ اینستاگرامی می‌روی، دلرو تو نصیحت‌گیر زندگی‌ات نیستی... حداقل تا زمانی که به خودت می‌آیی، اینجنین است... این داستانی واقعی است که یکشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۰۳ صفر، خودش را به پارسا رساند. تا برای اخذ رضایت، از جاکلیدی و برای بچه‌دار شدن، «گلسته» با اسامی کوک بخرند. تایید صفر ۱۴۲۴ پیوه از خودش بعنی بچین روزی برنامه بود و چگونه این حجم از مردم از این خوش یمنی آگاه شده بودند؟ هیچکس درباره آن چیزی نمی‌دانست و مثل همیشه، همه از شایعه، سخن می‌گفتند. اما این تنها یک شایعه نبود. یک هفته بعد و حین چست‌وچو در صفحات مجازی و فالگیری، متوجه شدم آنها زود ۲۰ صفر از حواج حاجت گرفتن حاجتمند هاا معرفی کرده‌اند و زیادی از دستوالعمل خاصی هم چیدهاند. دیگری از این صفحات مجازی آن دلیل کنندگان حاجتمند شده بود که ایندا ایلیکی آنها بخواهند و پس از آن اقدام به خریدکنند؛ ۱۳۰ هزار (صفر ۲۸) بسیار بسیار خوش‌بینه و به نیت هر چیزی که خواستید به خریدی اقدام بدید.

پس از این بود که سیلی از جمعیت به بازارها سرازیر شدند. آنهایی که دست‌شان به دهان‌شان می‌رسید به بازار طلا و آنهایی که ضعیف‌تر بودند به بازارهای دیگر هجوم بردند. در این بین یک نفر هم به سیل عظیم فکر نکرد که چگونه صدها نفر به ایندا دیلیکی حاجت ماشین‌آلات بازی صاحب خود بودند؟ این یک جنس بسیار کوچک ارتبعاتی است که فالگیرها می‌توانند بر زندگی افراد در حتی یک جلسه مبارکند. من ناخواسته، بخشی از این تبعات در زندگی‌ام تجربه کرده؛ وقتی برای اولین بار و در اثر حسّ کنجکاوی پایم به دنیای فال و فالگیری باز شد. مثل ما قبل یکی از بسیاران که به فالگیر مراجعه کرده بود، آب‌پاکی قزاوان تعریف می‌کرد که آن فالگیر «موکل» دارد. (موکل به جن یا فرشته‌ای می‌گویند که به وسیله فالگیر برای انجام کارهای خیر یا شر تسخیر شده است، آن فرد هم بی‌دلیل به دیگر بنده‌ها یک قطعه عکس می‌دهد، یک عکس موکلش می‌تواند تمام زیبویم زندگی شخص را بگوید. جدایت جنس تجربه‌ای مزایه همراه چند عکس از دوستانم به خانه فالگیر گذاشتند. نمی‌به که من کسید عکس‌های ارقبل آمده‌شده، ارتحویلش دادم. روسری‌ای روی سرش کشید و عکس‌ها را در آیلی‌اش که مقابلش بود، قرار داد. برایم یک بدیک دیواره حساب‌ها عکس‌ها توضیح می‌داد. این بنده بیوزاده‌ایی نمی‌شه بیوی‌اش کنم. یکی هم حواسش به پول و مادیات‌امایم نگاهی هم به تو دارد... کمی با مکث صحبت می‌کرد و این بی‌ربی من به معنای سامسر چیزهایی بود که احتمالا موکلش به او می‌گفت. در آن لحظه دوست داشتم صدای موکل را بشنوم اما نشد. کم‌کم با بانوی فالگیر راحتی کردم. گویی زبیزی‌اش با حی آمده‌ام، در یک لحظه تصمیم گرفتم حس‌های ناخوشایند تجربه شده‌ام را برایش بازگو کنم و گفتم... دستم را روی آینه گذاشتم و به جلویش رفتم... به یک‌باره بازفوخت شد؛ خرد ریز برات دعا نوشتن؟ ۲۴ ماهه... بروز به جاکت کردن.

«کی این کار رو کرد؟»

«ناراحت نشی‌ها آدمیه که باتو نسبت زیزیکی داره...»

حساسی باورشدنی‌ه‌بود... گفتم این کار فقط از فلان بی‌بی آید. با فاصله اینبار کرد: خودشه! خیلی آدم‌ریست و کثیفیه... خیلی حال‌شه‌ها... فرد دیگری است که ۱۷ سال سابقه کار، متخصص دفع ارواح خبیثه، دارای دکترای فالگیری و گوی بلورین است. او از دو همکار سابقش قیمت‌های بالاتری دارد. «از برای هریک از سه نوع فال دقیق و کلی، اگری، گوی بلورین، آب آینه و تاس رمل، ۲۶۰ هزار تومان می‌گیرد. خدام ام، هم ۱۷ سال سابقه کار دارد. متخصص انومرلد، انومرلد، اوراکل، بیوئلی و کلصبینی است. کلصبینی و تفسیر کامل سرکتاب و ستاره‌شناسی بیوئلی، فال انسانی اوراکل جیپسی، فال انسانی اوراکل فرشگنان، فال انسانی اوراکل رومانتیک، فال انسانی اوراکل مالی، کاری و اقتصادی؛ فال انومرلد (ازدواج و همسر آینده) است. این قیمت‌ها البته برای کسانی است که برای گرفتن پاسخ

ادامه در صفحه ۱۵

گفت‌وگو با فالگیر ارمنی

آنقدر حدس می‌زنی تا حرفه‌ای می‌شوی

زمستان دو سال پیش قرار بود با یکی از فالگیرها که از اقلیت‌های دینی است، ملاقات کنم... محل ملاقات یکی از کافه‌های تهران بود... او پوشش خود را مناسب برای کافه نمی‌دید ولی در نهایت آمد... به جای کفش، دمپایی یا کرده بود. گذشت تا اینکه چند دقیقه بعد، در یک تماس تلفنی، از من ۵۰۰ هزار تومان پول قرض می‌خواست! می‌گفت کم آورده است. تابستان ۱۴۰۳ برای نوشتن گزارش درباره فالگیرها، در یک روز کرم تابستانی به سراغش می‌روم تا این‌بار به برای فال که صرح درباره شغلش بپرسم... به جز یکی دو سوال، به باقی سوالات پاسخ‌های کوتاه می‌دهد. از همین رو گفت‌وگو بیشتر بیک‌سنگی جلو می‌رود. می‌گوید ۷ سالی می‌شود که برای فال، پول می‌گیرد. یک روز کوتاه ماشین نشسته بوده و «شدید پول لازم» بوده، و با خودش گفته «چی کار نکنم؟» و به فکر فالگیری افتاده است. می‌گوید از کودکی فال می‌گرفته! تعجبم را که می‌بیند، کمی توضیح می‌دهد: «ما تنوی خونمون دوره داشتیم. زن‌ها میومدن. این برای اون فال قهوه می‌گفت اون یکی برای این.»

می‌خواهم بدانم چگونه ته فنجان قهوه را می‌خواند؟ توضیح می‌دهد: «نگاه کن، خیلی ساده است. چند تا چیز توی فال مهمه. کار، دادگاه، طلاق. تلخی عشق، دلبازی، عاشق... سه تا چیز که مردم دربارش نگرانن. تو به سن طرف نگاه می‌کنی، اگر «۶ سالشه، دادگاهی داره»، مربض داره، دادگاه‌شون روی ارثه. بیشترش رو حدس می‌زنی. تا جایی که آنقدر حرفه‌ای می‌شی... من الان درواقع فال نمی‌گم، غریزه من، حس من به من می‌گه.»

از مراجعه‌کنندگانش هم سوال می‌پرسم. این اواخر، «مراجعه مردها بیشتر شده است.» می‌پرسم: «جدی؟ مشکلشون چیه؟»

«عشقه... جوونا عشقه. مردان ۴۰ سال به بالا‌ها، بیزینسه.»

«دختر چی؟»

«عشقه. الان این رعنا، مشکلش عشقه. به دختری می‌گفت فقط درباره عشقم بگو. کار نداشته باش با کارم. در طول راه یاد گرفتم که تو فالم، عشق و کار و زندگی رو همه رو با هم بگم.»

برای هر فال، ۴۰۰ هزار تومانی می‌گیرد. با اینکه راحت تا روزی ۲ میلیون هم به‌دست می‌آورد، درآمد حاصل از آن را «خیلی آسون از دست» می‌دهد. خودش دلیلش را «بدبینی» درآمد فال می‌داند: «چون مردم ازته دل ۴۰۰ هزار تومن نمی‌دن، بیک‌در نیست برای من. از این در میاد از اون در می‌رم.» آخرین باری که دیدمش، با دمپایی به کافه آمده بود. این‌بار هم با دمپایی می‌رنم: «دفعه قبل هم با همین دمپایی اومده بودی کافه! انگار کار همیشه با دمپایی هستی!»

«میرادماد و شریعتی با دمپایی میام.»

چرایی‌اش را می‌پرسم اما جوابش بیشتر ناشی از اعتماد به نفسش است تا واقعیت: «چون تبلیغاتم رو اینجا می‌زنم... من کت و شلوار دارم ۵۰۰ میلیون. بیوشم بیام تو هوای گرم عرق کنم، مگه دیوونه‌ام؟»

سال‌ها قبل من از روی همین تبلیغات روی دیوار پیدایش کردم. آن زمان برای من فال تلفنی گرفت. بیشتر فال‌هایش تلفنی است اما برای برخی، حضوری هم فال می‌گیرد: «حضوری فقط برای این‌هایی که خوشگلن... صدا شون رو پای تلفن می‌شنوم اگه خوب نباشه حضوری دعوت‌شون نمی‌کنم خوبه.»

پیش‌بینی غلط ارزبال- شاختار

تمام فالگیرهایی که دیده‌ام، اعتماد به نفس بسیار بالایی دارند. باورشان این است که چیزهایی از تو می‌دانند و همین باعث شده تا با اعتماد به نفس به گونه‌ای سخن بگویند که حتی مطالب نادرست‌شان، باورت شود. این هم مثل بقیه مدعی است که آینده‌هایی را پیش‌بینی می‌کند که «همه متعجب می‌شن.» برای اثباتش هم مثال می‌زند: «پیش‌بینی کردم تو فوتبال شاختار دهن زنال مادرید رو سرویس می‌کنه. رفتم شرط‌بندی، گفتم ۱۰ میلیون تومن می‌ذارم که شاختار می‌زنه سرویسشون می‌کنه. ظرف گفت ۱۰ میلیون قبول نمی‌کنم، ۲۰۰ هزار تومن بذار. گفتم باشه. رفتم خونه، شاختر ۴ تا گل به زنال مادرید زد... این پیش‌بینی منه.»

در همان لحظه باور می‌کنم اما چند روز بعد، در اینترنت نتیجه بازی شاختار با زنال مادرید را سرچ می‌کنم. بله؛ بازی با نتیجه ۴-۰ به پایان رسیده است اما نه با پیروزی شاختار. در همه بازی‌هایی که می‌بینم، زنال مادرید برنده بازی بوده است. در بهترین شرایط در یک بازی شاختار توانسته ۳ گل به زنال بزند. با این وضعیت پیش‌بینی‌هایش می‌گوید که آی‌کیو ۲۸۰ داره! «آدمی که آی‌کیو ۲۸۰ داره نباید فال بگیره که! باید دنیا رو بدن دستش.» می‌خواهد زمانم را نگاه کند. این اولین باری است که می‌شنوم کسی بتواند از روی زمان فال بگیرد. «مگه از روی زمون هم فال می‌گن؟!»

«آره! اگر عاشقی، آبیه رنگش. الان ببینم زیونت رو... نه، عاشق نیستی.»

«زیونم چه رنگیه؟!»

«صورتیه. اگر عاشق باشی بغل زیونت آبی می‌شه.»

«چه ربطی داره؟!»

«قدیما می‌رفتیم دکتر نمی‌گفت برو MRI بگیر. می‌گفت زیونت رو دربیار. از روی زیونت می‌فهمید چه مریضی‌ای داری.»

روایت فالگیرزن از فالگیری

فال برای برخی تراپی شده است

فالگیرها الزاماً آدم‌های کم‌سواد و نادانی نیستند. این درمیان حسدهای پررسیا خیلی به چشمم می‌خورد. سابقه آشنایی قبلی باعث می‌شود تا به راحتی بتوانم با او درباره فالگیری گفت‌وگو کنم. می‌گوید پدرش در فرانسه با تکنولوژی آموزشی آشنا شده است و بعد از بازگشت به ایران با توان مبرهادی در مدارس مختلفی که با مثد مارباه‌مونته‌سوری تدریس داشتند، آموزش دیده است. او که متولد سال ۱۳۴۵ است در همین مدارس درس خوانده است. در دوران مدرسه ابتدایی با دختری که مادرش کارمند سفارت فرانسه بود، آشنا می‌شود و دوف و آمد خانوادگی پیدا می‌کنند. عصرها در خانه این دختر، بساط قهوه و شیرینی بود و همیشه عادت داشتند که فنجان قهوه را برمی‌گرداندند و در آن نگاهی می‌کردند. این برای پریسا «خیلی جالب» بود. تابستان سال ۸۵، «بیرون» مادر آن دختر به پریسا فال قهوه را آموزش داده است. آموزش «الاداهه» پیدا می‌کند تا اینکه او در سال ۹۰ در زمانی که ۵ سال داشته، می‌توانسته با نگاه کردن در فنجان، فال بگیرد.

در سال‌های اول این کار برایش تفننی بود اما یک دهه بعد، فالگیری تبدیل به شغل جانبی‌اش شد. چون به پولش احتیاج داشت. این پول راه برای خودش که می‌گوید برای کمک به خانمی که قبلا در خانه و شکستش کار می‌کرده، می‌خواسته آنمی تواند باور کند اما تردیدبحثش را می‌شنود: «آره... خودم به این خانم کمک می‌کردم... شرکت داشتم و وضع مالیم خوب بود. اگر نگاهی می‌اومد کارای خونه رو انجام می‌داد. بهش گفتم بیا شرکتم کارکن. پولم رو خوردن و مجبور شدم شرکتم رو ببندم... اون خانم تخصصی نداشت که گفت حلاّ بچی می‌شه؛ گفتم هیچی نمی‌شه، من می‌ام سرکار، پرسید، تو کارکنی ما بخوریم؟! این شده شروع کردم به فال. قبلا فوگوشن. از آخر ۱۳۷۳، سه دهه بعد، از آن روزها، پریسا مشتری‌هایی از هر جنس دارد؛ پولدار، دانشجو، نوجوون، روستایی... همه جور آدم، از جست‌وجو مراجعه‌کنندگانش هم می‌پرسم: «بیشتر خانم هستن یا آقا؟»

«از هر دوتاش هستن.»

«آقایون هم میان؟»

«شدیدا! بیشترین مشتری رو آقایون برام می‌فرستن. مثلا حدود ۱۰ روز پیش، شش تا مشتری داشتم که پنج تاشون آقا بودن. از اون پنج تا آقا، یکی شون رو می‌شناختم. اون چهارتا دوست و همکار دیگه‌اش رو هم آورده بود.»

از تفاوت رفتار خانم‌ها و آقایان در گرفتن فال هم می‌گوید: «آقایون مشتری بیشتری میارن. یعنی بهتر قبول می‌کنن و براشون راحت‌تره به همه دوستاشون بگن و همه باهم بیان. ولی خانوم‌ها می‌دونی از اکثریت قریب به اتفاق شون شنیدم که: «اگر ماهی خوایم بیایم فال بگیریم، فقط خودم باشم.»

می‌پرسم: «می‌خوان انگار محرمانه باشه...»

«آره... مثلاً به دوستاشون نمی‌گن رفتم پیش فالگیر. مثل اینکه می‌خوان در انحصار خودشون باشه.»

«چرا؟»

«نمی‌دونم... حسادته؛ یا اینکه می‌خوان مخفی باشن برای خودشون. یه چیزی برای خودشون داشته باشن.»

فالگیر تراپیست می‌شود

تصورمی‌کرده وضعیت برعکس این است و آقایان خیلی بیشتر این مسائل را پنهان می‌کنند. می‌پرسم برای عملکرد هر فالگیر نسبت مستقیمی با مشتری‌های تابش وجود دارد. اگر چه نمی‌شود به روایت‌ها صد درصد اعتماد کرد اما نمی‌توان از شنیدن آن پرهیز کرد:

«مشتری ثابت هم داری؟»

«بله... من مشتری ثابت دارم.»

«چی می‌شه که اینا هی ادامه می‌دن؟»

«خب، زندگی چیزای مختلف جلویش آدم می‌ذاره. بالبین فالی که من برای چند نفر گرفتم، مواردی داشتم که سه چهار سال، یکی شون هفته‌ای سه‌روز روزهای زوج، میومد.»

«مگه تریپه؟!»

«آره، واقعا براشون تراپی بود. یکی شونم بود ۵۰ سال و نیم، شش روز از هفته رو میومد و جوری بود که ۹ صبح میومد و ۹ شب می‌رفت. هر روز هم فال رو می‌گرفت. هر دوشون به من گفتن که تو زندگی ما رو نجات دادی.»

می‌گوید فال هایش برای اتفاقاتی که سر راه زندگی آدم قرار می‌گیرد، مدت‌دار است. مثلا «توی دستمال تا دو هفته آینده رو می‌گه، نقش‌های توی بغلیکی نهایت تا دو ماه، دو ماه و نیم آینده رو می‌گه، نقش‌های توی فنجون تا یک سال آینده رو می‌گه».

فالگیرها می‌توانند بسیار متفاوت نسبت به هم باشند. مثلا پریسا حقوق قضایی خوانده و تدریس زبان انگلیسی هم می‌کند. فالگیری جرم است و یک دانش آموخته حقوق قضایی این رابلد بهتر از دیگران بداند. همین رابرایش بازگو می‌کنم. پاسخش جالب است: «بله... ولی می‌دونی چه تعداد زیادی از کسانی که وکیل و قاضی هستن میان پیش من برای فال؟»

«قاضی و وکیلا دنبال چی هستن؟»

«فال! اشما دنبال چی هستی تو فال؟ دنبال این هستی که ببینی چی می‌شه، یا این که به کاری رو که در نظر داری چه خواهد شد یا به پیروژه‌ای رو که می‌خوای انجام بدی خوبه یا نه؟ درسته؟ یا موقعیتی که سر راهتو قرار گرفته به موقعیت درستی هست یا نه؟ همه اینها هست دیگه. به وقتم هست کنجکاوی داری بدونی چی می‌شه.»

سرک به دنیای فالگیرها

فالگیرها و عناوین‌شان هم‌عدی اند همه چیز را دربرداره‌ما اطلاعات بسیار کمی از آنها و زندگی‌شان دارم. به جز خانه‌هایشان که در اغلب اوقات شبیه بازار شام- به هم ریخته و نامرتب- است. داستانی دندان‌گیری نصیب مراجعه‌کنندگانشان نمی‌شود. کمتر کسی است که درباره آنها بداند؛ اینکه چه کسی هستند؟ چگونه زیسته‌اند و چه خواهد اند که اکنون در مقام فالگیر روزانه ده‌ها کسی هم‌اهمشتری دارند؟

فالگیرها برخلاف یک باد وجه پیش که «پاک» و «پاک» و ترمیمال‌های مسافروری مشغول کار بودند- حالا سرانه فضای مجازی رفته‌اند و از آنجایی‌اش مردم فال می‌گیرند. اتفاقا این پیشرفت تکنولوژی، کار و بار آنها را سکه کرده است. اگر در گذشته باید دهان به دهان آدرس یا تلفن فالگیری را پیدا می‌کردی، الان با جست‌وجویی ساده در صفحات اینستاگرامی، کانال‌های تلگرامی و حتی اپلیکیشن‌ها به چندین و چند فالگیر دسترسی خواهی داشت. طبیعتا هم مراجعه‌کننده این صفحات سایع فالگیری خواهد رفت که دنبال‌کننده بیشتری دارد. برای اطلاع از دنیای فالگیری که گویا ماشت اسب نیازهای بشر، خواه دارد یا سرخت به روزرسانی می‌کند، سری به کانال‌ها و صفحات مجازی می‌زنم. در چنین وجنی و چند کانال تلگرامی ایرانی به اینستاگرامی که برخی آرا بهتر یش از ۳۰ هزار دنبال‌کننده دارند، کانال زرین توضیحات در کانال تلگرامی خاصی به نام «ش» به چشم می‌خورد. این کانال ایندا ۲۰ هزار و ۳۰۰ دنبال‌کننده دارد. در کانال نوشته شده که بابو ش، حداقل ۷۷ سال سابقه کار، در انواع فال‌های «قهوه، تاروت و فنجان» دارد. «فال تاروت، مبتنی بر تعدادی کارت مصوراست که فالگیرها با خود می‌کنند. بر مبنای آن اطلاعات شخصی افراد را بایند آن را پیش‌بینی می‌کنند.» در این کانال تلگرامی زین فال، ترکیب انواع فال‌ها است. ترکیب انواع فال‌ها یعنی بهانه‌ای که متقاضی پول بیشتری پرداخت کند. این فال که ادعا شده «مشهور، کامل و دقیق است.» اگر به صورت مجازی باشد و چراب به صورت حضوری ارسال شود ۲۶۰ هزار تومان و اگر تلفنی باشد باید شود ۳۵۰ هزار تومان برای متقاضی آب می‌خورد.

فال برای مهاجرت

این کانال فال هایی دارد که به جز دنبال‌کنندگانش شاید کمی اصلا برنکند که برای چنین چیزهایی هم فال می‌گیرند. مثلا برخی از فال‌ها «فال زوجه تحصیلی و مهاجرت» است. این گستردگی خاص خودش را دارد و تفاوت‌شان ۲۰۰ هزار تومان است. «فال انسانی دندان‌گیری» هم با عنوانی که «بسیار بسیار مهم»، ماه و مشهور در سرنام‌ش دارد، است و «حلاّ حالا هاکسی نمی‌تونه بیاد جایگاه شغلی‌اش رو از دست بده. در اینجا برای هر مجرد و بچه‌دار، همه‌اش خیلی مهمه» فال هایی فراوانی‌ش صفحه، «بالای ۶۰ سال سابقه در دعا نویسی و طلسمات مشهور دارد» برای «دیگه میلیون و ۹۰۰ هزار تومان برای طلسم سه میلیون و ۸۰۰ هزار تومان می‌گیرد. این دعاها و طلسم‌ها، شامل همه درخواست‌ها می‌شود. این تو رفاه نیست ویرای هر خواسته قیمت می‌توانند متفاوت باشد، به عنوان مثال سه سال پیش برای دعای ازدواج، دعا نویسی و دیروز رو سنا دو میلیون تومان درخواست کرد. طلسم و شکستن طلسم به مراتب ارزان‌تر بود اما بالاترست و گاهی قیمتش تا چند ده میلیون هم می‌رسد.

سفره دنیای جی‌تی‌آی

باورکردنش سخت است اما یک صفحه اینستاگرامی به مخاطبانش «کدهای کیهانی» می‌دهد و تاکید دارد که با ارائه شماره فرشتگان و آرزو شان، این صفحه ۲۳۶ هزار دنبال کننده، به عنوان نمونه کد کیهانی پول‌ساز... «پنج، دو، صفر را مرقوم کرده که افراد برای پولدار شدن باید آن را بنویسند و تکرار کنند. در یک داستانک این صفحه در پاسخ به درخواست از فرشته هانوشته که «لطفا در روز یک بار درخواست بدین چون فرشته‌ها در ابعاد بالاتر هستند و ما در بعد ۳ هستیم و براش صدا نمی‌کنند که حقیقتا مشکل و جذب عشق هم ۳۷۰۳۷۴۲۴ است. البته این اعداد با بلیت تک‌رقم به تکرقم خواند. کد باطل السحر فوری هم ۶۶۹۰ هست. در صفحه تاکید شده که این کد را دیابد روی کاغذ نوشت و فقط باید روزی ۳۴ مرتبه به مدت ۳ روز خواند.»

سرشوخت اتفاقات ۲۰ روز بعد

صفحه دیگر اینستاگرامی به «ارهاردنبال کننده بست» هاو بدرنوشه‌ایی گذاشته که سرنوشت هفت روز و ۲ روز اتفاقات رایرای مخاطبان می‌گوید. در صفحه نوشته شده: «چون این فال‌ها کلی است، برای خلا شخصی و جزئیات باید دایرکت بدید. فال کلی به ما کمک می‌کند تا فلوه مواد مورد نظر را بزیر می‌کنند. این افراد می‌توانند از ۱۰ تا ۱۰۰ نفر را بیشتر هم باشند. فالگیرهم به صورت کلی، ۲۲ گنسیر ارائه می‌دهد که هر تفسیر مختص به یک ماه است. مثلا فال دوزبی ماه‌هایی برای هایی هم آنهایی که در فروردین به دنیا آمده‌اند و مر سن و هر شغلی دارند، معتبر است. برای متولدین سایر ماه‌ها هم وضع همین‌گونه است.

باکسازی با تخم‌مرغ وگرفتن کد خیانت

صفحه دیگر توسط یک مرد مدیریت می‌شود. این صفحه بیش از دیگران برای مشتری‌هاش گزینه دارد. باکسازی با تخم‌مرغ، تکسینی و چاکرا ها از گزینه‌های مشابه‌ایرسی است. این فالگیر دراکسازی با تخم‌مرغ هم سب یک پیچیده‌ایی گفته شده و تخم‌مرغ لازم است. یکی برای انتقال بیماری ارثی و بیماری‌های ارثی و بیماری‌های اجدادی است. باید یک تخم‌مرغ به تمام‌های دیگر اضافه شود. اما به نظر می‌رسد تخم‌مرغ این خدمت این صفحه کدی است به نام «تحمیل از خیانت» که با گرفتن این کد و نوشتن آن تکشش هم در دیگر امکان خیانت بالکل رفع می‌شود.

چرا مردم به فالگیر مراجعه می‌کنند؟

اگر هدف‌ش این گرایش تمرکز بر مراجعه‌کنندگان است پلی برخی فالگیرها حاضر نیستند از درآمد دعانویسی و طلسم چشم‌پوشی کنند. به نظر می‌رسد گرایش نوین خدمات در دنیای فالگیرها در سطوح مختلف اجرایی و تفاوت‌شان ۲۰۱۰ هزار تومان است. «فال دعا و دعانویسی و طلسم‌ها» که «بسیار بسیار مهم»، ماه و مشهور در سرنام‌ش دارد، است و «حلاّ حالا هاکسی نمی‌تونه بیاد جایگاه شغلی‌اش رو از دست بده. در اینجا برای هر مجرد و بچه‌دار، همه‌اش خیلی مهمه» فال هایی فراوانی‌ش صفحه، «بالای ۶۰ سال سابقه در دعانویسی و طلسمات مشهور دارد» برای «دیگه میلیون و ۹۰۰ هزار تومان برای طلسم سه‌میلیون و ۸۰۰ هزار تومان می‌گیرد. این دعاها و طلسم‌ها، شامل همه درخواست‌ها می‌شود. این تو رفاه نیست ویرای هر خواسته قیمت می‌توانند متفاوت باشد، به عنوان مثال سه سال پیش برای دعای ازدواج، دعانویسی و دیروز رو سنا دو میلیون تومان درخواست کرد. طلسم و شکستن طلسم به مراتب ارزان‌تر بود اما بالاترست و گاهی قیمتش تا چند ده میلیون هم می‌رسد.

سفره دنیای جی‌تی‌آی

باورکردنش سخت است اما یک صفحه اینستاگرامی به مخاطبانش «کدهای کیهانی» می‌دهد و تاکید دارد که با ارائه شماره فرشتگان و آرزو شان، این صفحه ۲۳۶ هزار دنبال کننده، به عنوان نمونه کد کیهانی پول‌ساز... «پنج، دو، صفر را مرقوم کرده که افراد برای پولدار شدن باید آن را بنویسند و تکرار کنند. در یک داستانک این صفحه در پاسخ به درخواست از فرشته هانوشته که «لطفا در روز یک بار درخواست بدین چون فرشته‌ها در ابعاد بالاتر هستند و ما در بعد ۳ هستیم و براش صدا نمی‌کنند که حقیقتا مشکل و جذب عشق هم ۳۷۰۳۷۴۲۴ است. البته این اعداد با بلیت تک‌رقم به تکرقم خواند. کد باطل السحر فوری هم ۶۶۹۰ هست. در صفحه تاکید شده که این کد را دیابد روی کاغذ نوشت و فقط باید روزی ۳۴ مرتبه به مدت ۳ روز خواند.»

پکیجی به نام «رفع سنگینی»

این صفحه هم بیش از همه‌ایی است. «اطلاع و جادو» و خیرهایی که در وبی‌هایی آن برای پرهیز می‌کند اما به جای آن پکیج‌هایی دارد که ناشی کمتر به گوش انسان خورده است. یکی از این پکیج‌ها، پکیج رفع سنگینی است... در توضیح نوشته که: «یکی از مواردی که تو پکیج رفع سنگینی بهش بدن، اینه که می‌تونین تو خواب خشک مود نظرتون رو ثبت کنین و حتی به رابطه درمان بدید.» در این پکیج کدی و فرد اضافی هی دود که باید سوزانده شود.

سرنوشت اتفاقات ۲۰ روز بعد

صفحه دیگر اینستاگرامی به «ارهاردنبال کننده بست» هاو بدرنوشه‌ایی گذاشته که سرنوشت هفت روز و ۲ روز اتفاقات رایرای مخاطبان می‌گوید. در صفحه نوشته شده: «چون این فال‌ها کلی است، برای خلا شخصی و جزئیات باید دایرکت بدید. فال کلی به ما کمک می‌کند تا فلوه مواد مورد نظر را بزیر می‌کنند. این افراد می‌توانند از ۱۰ تا ۱۰۰ نفر را بیشتر هم باشند. فالگیرهم به صورت کلی، ۲۲ گنسیر ارائه می‌دهد که هر تفسیر مختص به یک ماه است. مثلا فال دوزبی ماه‌هایی برای هایی هم آنهایی که در فروردین به دنیا آمده‌اند و مر سن و هر شغلی دارند، معتبر است. برای متولدین سایر ماه‌ها هم وضع همین‌گونه است.

باکسازی با تخم‌مرغ وگرفتن کد خیانت

صفحه دیگر توسط یک مرد مدیریت می‌شود. این صفحه بیش از دیگران برای مشتری‌هاش گزینه دارد. باکسازی با تخم‌مرغ تکسینی و چاکرا ها از گزینه‌های مشابه‌ایرسی است. این فالگیر دراکسازی با تخم‌مرغ هم سب یک پیچیده‌ایی گفته شده و تخم‌مرغ لازم است. یکی برای انتقال بیماری ارثی و بیماری‌های ارثی و بیماری‌های اجدادی است. باید یک تخم‌مرغ به تمام‌های دیگر اضافه شود. اما به نظر می‌رسد تخم‌مرغ این خدمت این صفحه کدی است به نام «تحمیل از خیانت» که با گرفتن این کد و نوشتن آن تکشش هم در دیگر امکان خیانت بالکل رفع می‌شود.

چرا مردم به فالگیر مراجعه می‌کنند؟

اگر هدف‌ش این گرایش تمرکز بر مراجعه‌کنندگان است پلی برخی فالگیرها حاضر نیستند از درآمد دعانویسی و طلسم چشم‌پوشی کنند. به نظر می‌رسد گرایش نوین خدمات در دنیای فالگیرها در سطوح مختلف اجرایی و تفاوت‌شان ۲۰۱۰ هزار تومان است. «فال دعا و دعانویسی و طلسمات» که «بسیار بسیار مهم»، ماه و مشهور در سرنام‌ش دارد، است و «حلاّ حالا هاکسی نمی‌تونه بیاد جایگاه شغلی‌اش رو از دست بده. در اینجا برای هر مجرد و بچه‌دار، همه‌اش خیلی مهمه» فال هایی فراوانی‌ش صفحه، «بالای ۶۰ سال سابقه در دعانویسی و طلسمات مشهور دارد» برای «دیگه میلیون و ۹۰۰ هزار تومان برای طلسم سه‌میلیون و ۸۰۰ هزار تومان می‌گیرد. این دعاها و طلسم‌ها، شامل همه درخواست‌ها می‌شود. این تو رفاه نیست ویرای هر خواسته قیمت می‌توانند متفاوت باشد، به عنوان مثال سه سال پیش برای دعای ازدواج، دعانویسی و دیروز رو سنا دو میلیون تومان درخواست کرد. طلسم و شکستن طلسم به مراتب ارزان‌تر بود اما بالاترست و گاهی قیمتش تا چند ده میلیون هم می‌رسد.

روایت فالگیرزن از فالگیری

فال برای برخی تراپی شده است

فالگیرها الزاماً آدم‌های کم‌سواد و نادانی نیستند. این درمیان حسدهای پررسیا خیلی به چشمم می‌خورد. سابقه آشنایی قبلی باعث می‌شود تا به راحتی بتوانم با او درباره فالگیری گفت‌وگو کنم. می‌گوید پدرش در فرانسه با تکنولوژی آموزشی آشنا شده است و بعد از بازگشت به ایران با توان مبرهادی در مدارس مختلفی که با مثد مارباه‌مونته‌سوری تدریس داشتند، آموزش دیده است. او که متولد سال ۱۳۴۵ است در همین مدارس درس خوانده است. در دوران مدرسه ابتدایی با دختری که مادرش کارمند سفارت فرانسه بود، آشنا می‌شود و دوف و آمد خانوادگی پیدا می‌کنند. عصرها در خانه این دختر، بساط قهوه و شیرینی بود و همیشه عادت داشتند که فنجان قهوه را برمی‌گرداندند و در آن نگاهی می‌کردند. این برای پریسا «خیلی جالب» بود. تابستان سال ۸۵، «بیرون» مادر آن دختر به پریسا فال قهوه را آموزش داده است. آموزش «الاداهه» پیدا می‌کند تا اینکه او در سال ۹۰ در زمانی که ۵ سال داشته، می‌توانسته با نگاه کردن در فنجان، فال بگیرد.

در سال‌های اول این کار برایش تفننی بود اما یک دهه بعد، فالگیری تبدیل به شغل جانبی‌اش شد. چون به پولش احتیاج داشت. این پول راه برای خودش که می‌گوید برای کمک به خانمی که قبلا در خانه و شکستش کار می‌کرده، می‌خواسته آنمی تواند باور کنم اما تردیدبحثش را می‌شنود: «آره... خودم به این خانم کمک می‌کردم... شرکت داشتم و وضع مالیم خوب بود. اگر نگاهی می‌اومد کارای خونه رو انجام می‌داد. بهش گفتم بیا شرکتم کارکن. پولم رو خوردن و مجبور شدم شرکتم رو ببندم... اون خانم تخصصی نداشت که گفت حلاّ بچی می‌شه؛ گفتم هیچی نمی‌شه، من می‌ام سرکار، پرسید، تو کارکنی ما بخوریم؟! این شده شروع کردم به فال. قبلا فوگوشن. از آخر ۱۳۷۳، سه دهه بعد، از آن روزها، پریسا مشتری‌هایی از هر جنس دارد؛ پولدار، دانشجو، نوجوون، روستایی... همه جور آدم، از جست‌وجو مراجعه‌کنندگانش هم می‌پرسم: «بیشتر خانم هستن یا آقا؟»

«از هر دوتاش هستن.»

«آقایون هم میان؟»

«شدیدا! بیشترین مشتری رو آقایون برام می‌فرستن. مثلا حدود ۱۰ روز پیش، شش تا مشتری داشتم که پنج تاشون آقا بودن. از اون پنج تا آقا، یکی شون رو می‌شناختم. اون چهارتا دوست و همکار دیگه‌اش رو هم آورده بود.»

از تفاوت رفتار خانم‌ها و آقایان در گرفتن فال هم می‌گوید: «آقایون مشتری بیشتری میارن. یعنی بهتر قبول می‌کنن و براشون راحت‌تره به همه دوستاشون بگن و همه باهم بیان. ولی خانوم‌ها می‌دونی از اکثریت قریب به اتفاق شون شنیدم که: «اگر ماهی خوایم بیایم فال بگیریم، فقط خودم باشم.»

می‌پرسم: «می‌خوان انگار محرمانه باشه...»

«آره... مثلاً به دوستاشون نمی‌گن رفتم پیش فالگیر. مثل اینکه می‌خوان در انحصار خودشون باشه.»

«چرا؟»

«نمی‌دونم... حسادته؛ یا اینکه می‌خوان مخفی باشن برای خودشون. یه چیزی برای خودشون داشته باشن.»

فالگیر تراپیست می‌شود

تصورمی‌کرده وضعیت برعکس این است و آقایان خیلی بیشتر این مسائل را پنهان می‌کنند. می‌پرسم برای عملکرد هر فالگیر نسبت مستقیمی با مشتری‌های تابش وجود دارد. اگر چه نمی‌شود به روایت‌ها صد درصد اعتماد کرد اما نمی‌توان از شنیدن آن پرهیز کرد:

«مشتری ثابت هم داری؟»

«بله... من مشتری ثابت دارم.»

«چی می‌شه که اینا هی ادامه می‌دن؟»

«خب، زندگی چیزای مختلف جلویش آدم می‌ذاره. بالبین فالی که من برای چند نفر گرفتم، مواردی داشتم که سه چهار سال، یکی شون هفته‌ای سه‌روز روزهای زوج، میومد.»

«مگه تریپه؟!»

«آره، واقعا براشون تراپی بود. یکی شونم بود ۵۰ سال و نیم، شش روز از هفته رو میومد و جوری بود که ۹ صبح میوم